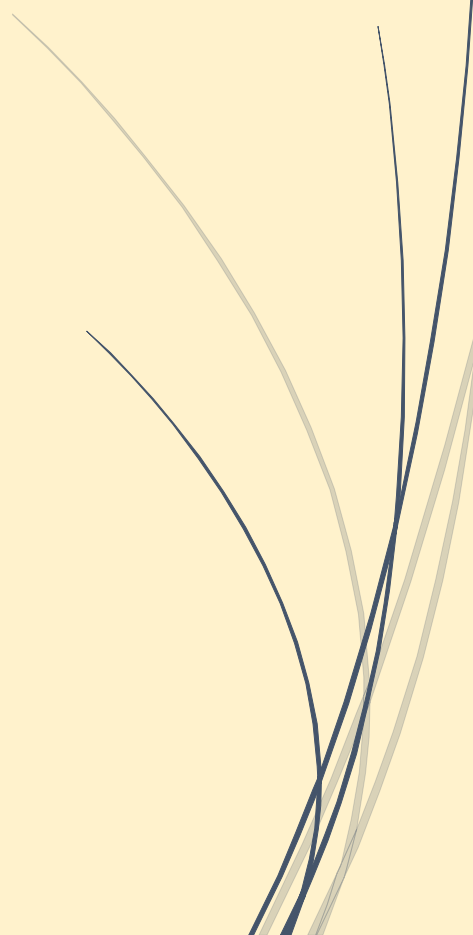


آشنایی با مکاتب و ایدمها :



ایسم در لغت به معنای: اصالت، اصول، رویه و نمونه آن است و در حالت پسوندی معنای: مکتب از آن گرفته می شود، این پسوند (شیسم، سیسم، سیزم) از واژه شیسما (Schisma) گرفته شده که در زبان یونانی به معنای شکاف است و در ابتدا در مورد مسلک ها و انشعاب هایی به کار می رفته که کلیسا و مذهب مسیح منشعب می شده اند و به هر نوع تجزیه و تفکیکی در جامعه و احزاب و مذهب گفته شد و حالا بصورت یک پسوند رایج به دنبال واژه ها و اصطلاحات (سیاسی، ادبی، هنری، مذهبی، عرفانی، فرهنگی، قومی و ...) می آید و تقریباً هنوز همان مفهوم اولیه را داراست. پسوند (ism) در زبان انگلیسی، isme در زبان فرانسه، ismus در زبان آلمانی کاربرد های گوناگونی دارد، این پسوند در پی نام ها و یا صفت ها می آید و معنای: رای، عقیده، ایمان، مذهب، گرایش و روش را می رساند، تلاش های زیادی اساتید و علمای ایرانی انجام داده اند که معادلی برای ایسم بیابند و گه گاه از پسوندهایی: مثل گر، گری، گرای، گرا، انگاری، انگار، باور، باوری، خواهی، گفتاری، آئینی، روشی، استفاده کرده اند اما بصورت مطلق چنین کاری عملی نیست، در جای مفهوم را می رساند و در جای نمی رساند، مگر اینکه در جایی گری به کار ببریم، در جایی خواهی، در جایی... مثلاً لیبرالیسم را بگوئیم آزادی خواهی، سوسیالیسم را (جامعه باوری Socialism).

**اباحی گری:** به معنای نفی حلال و حرام الهی و پایبند نبودن به دستور دین در زندگی فردی و اجتماعی

**آبسولوتیسم:** عقیده به حکومت مطلقه و ریاست یک دیکتاتور بر همه افراد یک جامعه

**آپورتونیسم:** عقیده به بوقلمون صفتی و مطابق شرایط زمانی و مکانی عقیده و مسلک عوض کردن

**آپوزیسیون:** به معنای مخالفت یا مخالفان، مخالفت با اهداف دارندگان قدرت سیاسی، اقتصادی

**آپولوژیسم:** عقیده به کناره گیری از کار دولت و گوشه گیری سیاسی

**اپیس کوپالیسم:** عقیده به طرفداری از حکومت دینی منتخب از مجموعه کلیسا های ملی

**اپیگوریانیسم:** عقیده به لغو یا تغییر قانون جامعه در صورتی که مفید به حال افراد جامعه نباشد

**اتریتاریانیسم:** عقیده به تحت الشعاع بودن فرد در مقابل جامعه

**اتو کراسی:** عقیده به سپردن همه امور به یک نفر

**آتئیسم:** عقیده به انکار خداوند

**آریستو کراسی:** عقیده به سپردن قدرت به چند نفر متمول یا قدرتمند

**استالینیسم:** عقیده به تغییراتی که استالین در شوروی در عقاید مارکس و لنین داد

اسکیپیسم: عقیده به کناره گیری و انزوا از فعالیت سیاسی و اداری

سکولاریسم: عقیده به اصالت امور دنیوی و هرچه در دنیا موجود است

اسکپ تی کیسم: عقیده به فلسفه شک در باره هرچیز

اگزستانسیالیسم: عقیده به آزادی انسان و اعتقاد به خداوند را نوعی اسارت و مانع رشد بشر می داند.

آگنوس بی کیسم: عقیده به عدم قبول آنچه که فلاسفه می گویند.

آگوئیسم: خود پرستی

آمانیسم: (انسان مداری) انسان جای خداوند می نشیند و تکیه گاه تشخیص ارزش ها را انسان می داند.

امپریالیسم: عقیده به ایجاد امپراطوری اقتصادی از راه تصرف سایر ممالک بهر وسیله ای که هست

آمپریسم: عقیده به تجربه یا مشاهده و عمل در هر نوع ایمان و اعتقاد

آنارشیسم: عقیده به عدم وجود زمامدار برای اداره امور

آنارکوسندیکالیسم: عقیده به مخالفت با دولت و تحصیل قدرت به وسائل دموکراتیک

آناپیتیسم: عقیده به تلفیق مرام کمونیسم و سوسیالیسم

انترناسیونالیسم: عقیده به خیر و سعادت بشر و ملت ها بدون در نظر گرفتن تعصب های قومی و با همکاری

آنتی انتکتوالیسم: عقیده به اینکه عقل زاده علم است و علم منبع عقل

آنتی کواریانیسم: عقیده به عقاید و آداب قدیمی و کهن و اصالت هرچه کهنه است

آنتی سمیشیسم: عقیده به نابودی یهودیان برای بهبود وضع زندگی مردم

اندوستریالسم: عقیده به تاثیر ماشین و رواج صنعت در زندگی بشر

اندیویدوالیسم: اصالت فرد و داشتن آزادی و اختیار فردی

اورتارکیسم: عقیده به استقلال اقتصادی

الیگارشی: عقیده به سپردن حکومت به دست عدهای معدود

اوبژکتیویسم: عقیده به تفوق فراوان برای حقایق بر اساس درک احساس

**اوونیسیم:** عقیده به تلاش برای حفظ حقوق و مزایای کارگر و بهبود وضع آن

**ایدئولوژی:** به معنای شناخت " و روشی از اندیشه است که می خواهد هم جهان را توضیح دهد و هم دگرگون سازد.

**ایده آلیسم:** عقیده به پیروی از افکار و آرزو ها و آمال

**بلشویسم:** عقیده به ایجاد قدرت سیاسی توسط کار گرانی که تابع انضباط شدیدی هستند

**بربریسیم:** به معنای توحش و بربریت و بدویت

**بورژوا :** سرمایه داران، سوداگران، پیشه وران و دارندگان مشاغل آزاد که در برابر "پرولتاریا" که به کارگرانی گفته می شد که هیچ وسیله تولیدی جز نیروی کار خود برای تأمین زندگی ندارند.

**پاتریونیسم:** میهن پرستی وطن دوستی افراطی

**پارتیکولاریسم:** عقیده به حفظ آثار و رسوم و آداب و عادات یک شهر توسط مردم

**پارلمنتاریسم:** عقیده به ایجاد مسئولیت توسط قوه مجریه در برابر قوه مقننه و پارلمان

**پاسیفیسم:** صلح طلبی

**پاروشیالیسم:** عقیده به محدودیت فکر

**پراگماتیسم:** عقیده به فلسفه اصالت عمل

**پروبلتی تیسم:** عقیده به فلسفه احتمال گرایی

**پروتستانتیسم لیبرال:** اساس دین را تجربه دینی اشخاص می داند، و در اینکه عقل می تواند در مسائل الهیات اظهار نظر کند، شک دارند.

**پست مدرنیسم:** انسان به دلیل وابستگی به فرهنگ، زبان، آداب و رسوم نمی تواند به آنها از دیده برتری نگاه کند و نمی توان داوری کرد که کدام فرهنگ غرب است.

**پسی میسم:** عقیده بد بینی نسبت به همه کی همه جا و همه وقت

**پلورالیسم:** عقیده به عدم انحصار علاقه فردی به پیوستگی های سیاسی

**پلاتونیسم:** عقیده به قدرت دولت که وابسته به میزان اطاعت اتباع کشور از مقررات است

**پوزیتیویسم اخلاقی:** عقیده به اینکه ارزش های اخلاقی واقعیت عقلانی ندارد و خوب و بد، تابع آراء مردم است.

**پوزیتیویسم:** اعتقاد به اینکه انسان فقط از طریق حس، علم پیدا می کند

**پوپولیسم:** مردم باوری، هدف های سیاسی را باید بر اساس خواست مردم جدا از احزاب و نهادهای پیش برد

**تروریسم:** عقیده به لزوم آدم کشی و ایجاد ترس و وحشت برای اداره حکومت

**تروتسکی ایسم:** عقیده به اعتدال بین لنینیسم و استالینیسم

**تزاریسم:** دیکتاتوری

**تیرانی** (تیرانیسید): حکومت ظالمانه ای که قدرت را از راه غیر قانونی در یونان باستان به دست می گرفت.

**دترمینیسم:** عقیده به جبر گرایی

**دسپوتیسم:** عقیده به سپردن کار های یک کشور به دست یک نفر مستبد

**دموکراسی:** حکومت مردم بر مردم

**دوگماتیسم:** عقیده به اطاعت صرف و کور کورانه از هر اصل و آیین

**دیالکتیک:** عقیده به تبعیت از روش فلسفی هگل مبنی بر تضاد و سنتز

**رادیکالیسم:** عقیده به بهبودی ریشه ای و نفی ریشه ای همه چیز

**راسیونالیسم:** عقل گرایی

**رفرمیسم:** قلمرو دین را تنها رابطه انسان و خداوند می داند و حذف دین از صحنه اجتماعی و سیاسی

**رومانتیسم:** جنبش هنری، ادبی و فلسفی با تأکید بر طبیعت و وجود عاطفه و احساس و خیال

**رویالیسم:** عقیده به حکومت مطلق سلطنتی

**رئالیسم:** عقیده به واقعیت کل در هر مورد و مقصود از کل (دولت) بیشتر است

**ژئوپولیتیک:** علم مطالعه روابط بین جغرافیا و سیاست

**سانترالیسم:** تمرکز گرایی

**سپتی سیسم:** اعتقاد به اینکه انسان راهی برای شناخت حقایق ندارد. از این رو باید در امور توقف نماید.

**سزاریسم:** تزاریسم دسپو تیسم دیکتاتوری

**سکولاریسم:** دنیوی شدن , دخالت مسائل معنوی و دین و مذهب را در سیاست و قانون رد می کند.

**سمپوزیوم:** به جلسه ای که برای بحث و تبادل نظر درباره موضوعی مشخص که مورد علاقه شرکت کنندگان است گفته می شود.

**سندیکالیسم:** تریدیونیون یا اتحادیه های کارگری را در فرانسه سندیکا می نامند.

**سوفیسم:** مغلطه گرایی و سفسطه گویی

**سوسیالیسم:** عقیده به کنترل همه امور اقتصادی و صنعتی اجتماع به نفع مردم کشور

**سوسیالیسم لیبرال:** عقیده به کنترل وسایل تولیدی و مخالفت با کنترل توزیع محصول

**شوونیسم:** عقیده به افراط و مبالغه در میهن پرستی

**فاشیسم:** عقیده به افراط در استبداد برای رسیدن به ترقی جامعه

**فاکسیونالیسم:** به معنای حزب است و به مفهوم حزب پرستی و عقیده به لزوم وجود احزاب سیاسی

**فالانژیسم:** حزب فاشیست اسپانیا

**فیمینیسم:** جنبش زنان و واکنشی در برابر تباهی و از بین رفتن هویت زن

**فورمالیسم:** ظاهر گرایی افراطی

**فیزیو کراسی:** عقیده به عدم دخالت دولت در امور

**فئودالیسم:** اشراف و مالکین املاکی را مالک می باشند و کشاورزان از حقوق سیاسی محروم اند، و یا به مقداری کم از حقوق سیاسی و کشور بهره مند هستند.

**کاپیتالیسم:** عقیده به سرمایه داری

**کالونیسم:** عقیده به اطاعت کور کورانه از مذهب

**کمونیسم:** عقیده به مساوات و برابری بین مردم در کلیه امور

**کنستیتوسیونال:** سلطنت مشروطه که قدرت پادشاه محدود است، و مجلس قوانین را وضع می کند و پس از تأیید پادشاه برای اجراء در اختیار قوه مجریه قرار می گیرد.

**گوبینیسم:** عقیده به تفوق نژاد های بشری

**لابیگری:** نفوذ در قوه قانونگذاری (از راه تماس با دو مجلس و زیر نفوذ آوردن آنها) و اعمال کردن نظر خود  
**لائسیسم:** مسلکی است با دین و معنویت ضدیت دارد معادل معنای سکولاریسم می باشد.

**لیبرالیسم:** عقیده به آزادی حرفه ها در کلیه امور برای افراد بشر

**لنینیسم:** نوعی از مارکسیسم که منسوب به "ولادیمیر ایلیچ لنین" بنیانگذار رژیم کمونیست و پیشوای انقلاب اکتبر  
1917 روسیه

**ماتریالیسم:** ماده گرایی عقیده به نفی هر چیز غیر از ماده

**ماکیاولیسم:** عقیده به ایجاد دولت مقتدر و سرکوبگر ، آن را "فلسفه استبداد جدید" نیز می خوانند

**مارکسیسم:** عقیده به فرضیه تکامل تاریخی تمدن و کشمکش طبقات و انقاب پرولتاریا از سوی مارکس

**مائوئیسم:** افکار مائوتسه تونگ رهبر انقلاب کمونیستی چین درباره استراتژی جنگ انقلابی و سازگار کردن

مارکسیسم - لنینیسم با اوضاع چین

**مدرنیسم:** نو شدن ، قرار دادن علم، وسایل جدید، شناخت و ذهنیت های تازه به جای روش های قدیمی و دین.  
**مرکانتالیسم:** عقیده به افزایش صادرات نسبت به واردات برای ایجاد قدرتهای اقتصادی ملت ها

**مولتی پارتیسم:** اداره کشور به صورت چند حزبی که هیچ یک از احزاب به اکثریت مطلق آرا را ندارد.

**مونارشی:** رژیم سلطنتی ای است که در آن پادشاه قوای سه گانه را شخصاً در دست دارد.

**میلیتاریسم:** ارتش سالاری، سروری ارتش بر دستگاه دولت

**موبوکراسی:** حکومت افراد نالایق و خودسر که از عرصه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دور هستند .

**نازیسم:** عنوان حکومت آلمان و علامت اختصاری "حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان" در دوره "هیتلر"

**ناسیونالیسم:** وطن پرستی

**نهیلیسم:** عقیده به پوچ گرایی و اینکه هیچ چیز در دنیا پایدار نیست و باید از بین برده شود

**یوتیلیتاریانسیسم:** فلسفه انتفاعی سود جویی